

**Comparison of the Conceptual Metaphor of the Moral Virtue of
“Truth” in Middle Persian and Dari Persian Texts (Case Comparison:
Menog I xrad and *Golestan-E Saadi*)**

Anahita Partovi

Researcher (Ph. D) in Linguistics, Institute for Humanities and Cultural Studies,
Tehran, Iran. Email: anahitapartovi@yahoo.com

Abstract

The purpose of this research is to use analytical and literature review methods to compare and analyze the “Truth” metaphor in two famous Persian texts. We also aim to understand the source domains of this metaphor based on the contemporary metaphor theory. Our analysis showed that 5 name-of-mapping; including Thing, Act, Path, Speech and Accessories were found in two texts. Thing and Act are two name-of-mapping which are common in both texts but [truth is a Path] and [truth is a Speech] was just appear in *Mēnōg-ī-xrad* and [truth is an Accessory] was just appeared in *Golestan*. As discourse has two aspects of civilization and culture maybe we can conclude that [truth is an accessory] is the civilizational aspect of discourse which is emphasized in *Golestan* while [truth is Speech] and [truth is a Path] both shows the cultural aspect of discourse in *Mēnōg-ī-xrad*. Of course there is no priority between two aspects and just shows that in pre and post Islamic period truth was an important discourse in Iran.

Keywords: *Mēnōg-ī-xrad*, *Golestan-E Saadi*, Truth, name-of-mapping

Received Date: 29 September 2023

Revise Date: 19 December 2023

Accepted Date: 20 December 2023

<https://doi.org/10.22034/aclr.2023.2016686.1092>



مقایسه استعاره مفهومی فضیلت اخلاقی راستی در متون فارسی میانه و فارسی دری (مقایسه موردی: مینوی خرد و گلستان سعدی)

آناهیتا پرتوی

پژوهشگر(کارشناس مسئول) پژوهشکده زبان شناسی، دکترای زبان شناسی، پژوهشگاه
علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران. anahitapartovi@yahoo.com

چکیده

هدف از پژوهش حاضر که به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده، پاسخ به این پرسش است که مفهوم استعاره «راستی» در دو متن مینوی خرد و گلستان سعدی دارای چه حوزه‌های مبدایی بر اساس نظریه «استعاره معاصر» هستند و نتیجه مقایسه آنها با یکدیگر چیست. داده‌های تحقیق نشان می‌دهد که ۵ نام نگاشت: شیء، عمل، مسیر، سخن و زیورآلات برای مفهوم «راستی» در دو متن مینوی خرد و گلستان سعدی یافت شده است. نام نگاشت‌های شیء و عمل با تفاوت بسامد، در هر دو متن مشترک بود. [راستی مسیر است] و [راستی سخن است] فقط در مینوی خرد و [راستی زیورآلات است] فقط در گلستان سعدی مشاهده شدند. از آنجا که گفتمان در دو وجه عملی (تمدن) و نظری (فرهنگ) بر ذهنیت‌ها اثر می‌گذارد، شاید بتوان گفت که [راستی زیورآلات است] به عنوان نشانی از وجه تمدنی گفتمان، در گلستان بیشتر مورد تأکید بوده در حالیکه [راستی سخن است] و [راستی مسیر است] تأکید بر وجه فرهنگی گفتمان در مینوی خرد دارد، که البته هیچکدام از این دو وجه بر دیگری ارجحیتی ندارد و فقط نشان از آن دارد که در ایران پیش و پس از اسلام گفتمان «راستی» اهمیت داشته است.

کلیدواژه‌ها: مینوی خرد، گلستان سعدی، راستی، نام نگاشت

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۷/۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۹/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۹/۲۹

۱. مقدمه

د/دستان مینوی خرد (احکام و آراء، ذاتِ عقل) یا مینوی خرد کتابی است به زبان پهلوی (فارسی میانه) شامل یک مقدمه و ۶۲ پرسش که هریک با سوالی از «دانا» آغاز می‌شود و مینوی خرد [مینو به معنی «ذات» و «اصل» و «باطن»] (Dalvand, 2020, p. 2) به آن پرسش‌ها پاسخ می‌دهد. مینوی خرد مثل دیگر کتب کهن ایرانی منبع پند و اندرز است. گلستان نوشته شاعر و نویسنده پرآوازه ایرانی سعدی شیرازی است. به باور بسیاری، گلستان تأثیرگذارترین کتاب نثر در ادبیات فارسی است که به نثر مسجع (آهنگین) با یک دیباچه و هشت باب به نثر نوشته شده است. بیشتر نوشته‌های آن کوتاه و به شیوه داستان‌ها و پندهای اخلاقی و اندرزی و در ۶۵۶ هجری قمری، نگاشته شده است (Mosaheb, 1977).

در پژوهش حاضر سعی می‌شود تا با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی استعاره مفهومی راستی در دو متن مینوی خرد و گلستان سعدی پرداخته شود. ابتدا به شرح نظریه استعاره معاصر و مفاهیم مطرح در این حوزه پرداخته می‌شود و سپس استعاره راستی در این دو متن، مورد بررسی قرار گیرد.

۲. طرح مسئله

هدف از این پژوهش بررسی استعاره‌های مضمون اخلاقی «راستی» در دو اندرنامه مینوی خرد (اندرنامه پیش از اسلام) و گلستان سعدی (اندرنامه دوران اسلامی) با رویکرد شناختی است. زبان‌شناسی شناختی جایگاه ویژه‌ای در علوم شناختی دارد چرا که در این علم از طریق زبان به بررسی کارکردهای شناختی و فرآیندهای پنهان ذهن پرداخته می‌شود. لیکاف و جانسون^۱ (2003) با کشف نظام گسترده‌ای از استعاره‌های روزمره و متعارف امکان ایجاد نظریه معاصر استعاره را فراهم ساختند که در آن تفکر و ذهن دارای ماهیت استعاری است. در این قالب مفهوم سازی یک حوزه از تجربه در قالب حوزه‌ای دیگر بیان می‌شود، یعنی ذهن انسان مفاهیم انتزاعی (حوزه مقصد) را با بهره‌گیری از مفاهیم عینی (حوزه مبدأ) درک می‌کند.

در این پژوهش روش تحقیق توصیفی و تحلیلی است. یافته‌های این پژوهش، می‌تواند با در نظر گرفتن چگونگی مفهوم سازی راستی، در دو متن مینوی خرد و گلستان سعدی بیانگر شیوه نگارنده یا نگارندگان مینوی خرد (پیش از اسلام) و نگارنده گلستان (دوران اسلامی) به این

1. Lakaff and Johnson

فضیلت اخلاقی باشد. ۵ نام نگاشت: شیء، عمل، مسیر، سخن و زیورآلات برای مفهوم «راستی» در دو متن مینوی خرد و گلستان سعدی یافت شده است. نام نگاشت‌های شیء و عمل با تفاوت بسامد، در هر دو متن مشترک بود. [راستی مسیر است] و [راستی سخن است] فقط در مینوی خرد و [راستی زیورآلات است] فقط در گلستان سعدی مشاهده شدند. از آنجا که گفتمان دارای دو وجه عملی (تمدن) و نظری (فرهنگ) است شاید بتوان گفت که [راستی زیورآلات است] به عنوان نشانی از وجه تمدنی گفتمان، در گلستان بیشتر مورد تأکید بوده در حالیکه [راستی سخن است] و [راستی مسیر است] تأکید بر وجه فرهنگی گفتمان در مینوی خرد دارد، که البته هیچکدام از این دو وجه بر دیگری ارجحیتی ندارد و فقط نشان از آن دارد که در ایران پیش از اسلام و اسلامی گفتمان «راستی» اهمیت داشته است.

۳. پیشینه تحقیق

در زمینه مفاهیم اخلاقی چه در متون مذهبی و چه در ادبیات فارسی مطالعات بسیار گسترده‌ای صورت گرفته است که در ادامه به بیان برخی از آنها پرداخته می‌شود.

فضائل و ابراهیمی (۱۳۹۳) تحقیقی با هدف بررسی چگونگی مفهوم‌سازی «غم» در اشعار مسعود سعد سلمان انجام داده‌اند (Fazayeli & Ebrahimi, 2014). مرادی و پیرزاد مفهوم «خشم» را در دو زبان انگلیسی و فارسی، که از نظر رده‌شناختی دو زبان متفاوتند، طبق نظریه استعاره مفهومی لیکاف و جانسون (1980) مورد توجه قرار داده‌اند (Moradi & Pirzad Mashak, 2013). ملکیان و ساسانی (۱۳۹۳) مفهوم‌سازی «خشم» را در زبان فارسی به کمک سازوکار شناختی استعاره مورد بررسی قرار داده‌اند (Malekian & Sasani, 2014). حامدی شیروان و شریفی (۱۳۹۴) به بررسی استعاره‌های شناختی «خشم و کینه» در پنج داستان از شاهنامه فردوسی پرداختند (Hamedi Shirvan & Sharifi, 2015). قاسمی (۱۳۹۴) به بررسی استعاره‌های مفهومی و طرحواره‌های تصویری واژه «غم» در اشعار فریدون مشیری پرداخته است (Ghasemi, 2015). مولودی و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی مفهوم سازی استعاره «خشم» در زبان فارسی بر اساس نظریه استعاره مفهومی می‌پردازند (Moloodi, Karimi Doostan & Bijankhan, 2015). بختیاری و سراج (۱۳۹۵) استخراج حوزه‌های مبدأ و مقصد استعاره‌های مفهومی در شاهنامه فردوسی و بررسی تطبیقی با حوزه‌های مبدأ و مقصد رایج، بر اساس دیدگاه کووچش (2010) را انجام داده‌اند (Mahmoodi-Bakhtiari & Seraj, 2016). دیلمقانی (۱۳۹۵) که با بررسی تحول تاریخی استعاره‌های مفهومی در زبان فارسی و با توجه به نظریه استعاره

مفهومی لیکاف و جانسون (1980) و دستاوردهای مطالعات در زمانی و درون فرهنگی و قومی به ویژه کووچش (2010) تغییرات تاریخی استعاره‌های مفهومی در حوزه مبداء، مقصد و نگاشت‌ها را از متن کتاب سمک عیار قرن ششم هجری عنوان کرده است. در این تحلیل عواطفی چون شادی، خشم، غم، شرم، ترس، عشق، حیرت، نگرانی و درد با حوزه های مبداء نگاشت شدند (Deylamqani, 2016). قوچانی و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی استعاره‌های مفهومی «ترس» با رویکردی شناختی و پیکره‌ای پرداخته‌اند و از تحلیل داده‌ها مشخص شد که حوزه‌های مبداء «ماده»، «نیرو» و «حرکت» که پربسامدترین نام‌نگاشت آن مربوط به فعل حرکتی لرزیدن بود، بیشترین فراوانی را در مفهوم‌سازی حوزه «ترس» نزد فارسی‌زبانان دارند (Ghoochani, Afrashi, & Asi, 2016). همتی و افراشی (۱۳۹۵) در چارچوب نظریه استعاره مفهومی (لیکاف و جانسون، 1980) حرکت استعاری را در پیکره‌ای مشخص از زبان فارسی مورد بررسی قرار دادند؛ یافته‌های این پژوهش نشان دادند که به ترتیب مفاهیم انتزاعی افکار، زمان و عواطف پربسامدترین مفاهیمی بودند که در زبان فارسی از طریق حوزه مبداء حرکت بیان می‌شدند (Hemati & Afrashi, 2016). عشرت ثقفی (۱۳۹۶) در رساله دکتری خود مفهوم شجاعت در زبان فارسی در طول زمان را تحلیل نموده است (Saqafi, 2017). شریفی مقدم و آزادخواه و ابوالحسنی‌زاده (۱۳۹۶) به بررسی و مقایسه استعاره‌های مفهومی شادی و غم در سروده‌های شاعره معاصر پروین اعتصامی (۱۳۲۰-۱۲۸۵) پرداخته‌اند (Sharifi Moghadam, Azadikhah & Abolhasani, 2017). حسین قاسمی، محمد عارف امیری، نادیا حاجی پور و آناهیتا پرتوی (۱۳۹۶) در مقاله «استعاره مفهومی [غم] در اشعار ملاعلی فاخر» به بررسی استعاره مفهومی غم در اشعار ملاعلی فاخر پرداخته‌اند (Ghasemi, Amiri, Hajipour & Partovi, 2017). سراج، بختیاری (۱۳۹۷) با رویکرد شناختی به بررسی استعاره‌های مفهومی اخلاق در شاهنامه فردوسی پرداخته‌اند (Seraj & Mahmoodi, 2018). فاطمه کوشکی (۱۳۹۸) در رساله دکتری خود به بررسی روند مفهوم‌سازی «عشق و نفرت» بر مبنای دو پیکره تاریخی و معاصر داده‌های زبان فارسی پرداخته است (Kooshki, 2019). آناهیتا پرتوی، سهیل سعادت‌نی‌نیا و نادیا حاجی پور (۱۳۹۸) در مقاله «استعاره های مفهومی غم در دو نوع شعر مرثیه و حبسیه» به بررسی استعاره غم در اشعار ملاعلی فاخر و مسعود سعد سلمان پرداخته‌اند (Partovi, Saadatinia & Hajipour, 2019). آتوسا رستم بیک و عارف امیری (۱۳۹۸) در مقاله «تحلیل انتقادی استعاره عشق در ترانه‌های فارسی: رهیافتی پیکره‌ای» چگونگی طبقه‌بندی استعاره مفهومی عشق را در گفتمان ترانه‌های عاشقانه و اجتماعی

مورد بررسی قرار داده و به تفاوت‌هایی که با یکدیگر دارند، اشاره کرده‌اند (Rostambeik & Tafreshi & Amiri, 2018).
به نظر می‌رسد پژوهش استعاره مفهومی راستی بر روی متون اندرزی و مقایسه یک متن کهن منثور اندرزی پیش از اسلام، به زبان فارسی میانه (مینوی خرد)، با یک متن منثور اندرزی دوران اسلامی (گلستان سعدی)، کاری نو باشد. افزون بر آن احتمالاً انجام چنین پژوهشی بر روی یک متن کهن اندرزی به زبان فارسی میانه به روش شناختی، پژوهشی است که تا کنون انجام نشده است.

۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی- تحلیلی است و داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند. برگردان فارسی متن پهلوی مینوی خرد که در پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است، مینوی خرد ترجمه دکتر (Tafazzoli, 1975) است.
برای مقایسه و تحلیل، تمامی نام نگاشت‌های مفهوم راستی در دو متن استخراج شدند. ۴ نام نگاشت در مینوی خرد عبارت بودند از: [راستی عمل است]، [راستی مسیر است]، [راستی شیء است] و [راستی سخن است] و ۳ نام نگاشت در گلستان سعدی عبارت بودند از: [راستی شیء است]، [راستی عمل است] و [راستی زیورآلات است] (نمودار ۱ و ۲).
نام نگاشت‌های شیء و عمل با تفاوت بسامد در هر دو متن مشترک بود.
سپس، جهت تحلیل و بررسی و مقایسه، این مقادیر به درصد محاسبه و به صورت نمودارهایی به متن اضافه شد (نمودار ۳، ۴ و ۵).

۵. مبانی نظری

معنی‌شناسی شناختی: اصطلاح معنی‌شناسی شناختی نخستین بار از سوی لیکاف مطرح شد. بر اساس این نگرش، دانش زبانی مستقل از اندیشیدن و شناخت نیست. لیکاف برخلاف افرادی چون فودور و چامسکی، رفتار زبانی را بخشی از استعدادهای شناختی انسان می‌داند؛ استعدادهایی که برای آدمی امکان یادگیری، استدلال و تحلیل را فراهم می‌آورند. در این دیدگاه، «دانش زبانی بخشی از شناخت عام آدمی است» (Safavi, 2004).

در معنی‌شناسی شناختی، معنی بر ساخت‌های تصویری و مفهومی قراردادی استوار است؛ از این رو ساخت معنی، مانند سایر حوزه‌های شناختی، بازتاب «مقوله ذهنی» است که افراد در حین

رشد از تجارب و اعمال خود به آن شکل می‌دهند. در ادبیات معنی‌شناسی شناختی، ساخت‌ها و فرآیندهای تصویری زیادی شناسایی شده‌اند، اما به استعاره توجه ویژه‌ای شده است (Saeed, 1997).

به اعتقاد لیکاف و جانسون (1980, p. 8) شناخت حوزه‌های مفهومی ذهنی، مبنایی استعاری دارد و نظام مفهومی محصول عملکرد مفهوم‌سازی استعاری است. این نظام مفهومی دارای نقش اصلی در تبیین واقعیات روزمره زندگی است و از آنجا که این نظام، ساختاری استعاری دارد، شیوه اندیشیدن، تجربه اندوختن و عمل کردن ما نیز زیربنای استعاری دارد (Afrashi, 2016). استعاره از دید ایشان صرفاً ابزاری برای تصویرسازی‌های شاعرانه و نوعی آرایه ادبی نیست (Lakoff & Johnson, 1980, p. 3) بلکه جوهره اصلی استعاره تجربه و فهم یک چیز به وسیله چیزی دیگر است (Lakoff & Johnson, 1980, p. 5). لیکاف و جانسون معتقدند از آنجا که مفاهیم و فعالیت‌های (کنش‌های) ما به صورتی استعاری ساختار یافته‌اند در نتیجه زبان ما نیز به شیوه‌های استعاری ساختار یافته است. ما به ندرت از استعاره‌های از پیش انگاشته شده در کاربرد روزمره زبانمان آگاهی داریم؛ این استعاره‌ها صرفاً درون واژه‌هایی که به کار می‌بریم وجود ندارند بلکه در مفاهیمی که به صورت روزمره از آنها استفاده می‌کنیم نیز حضور دارند. ما در مورد یک چیز به شیوه‌ای خاص صحبت می‌کنیم زیرا در واقع آن را به همان صورت تصور می‌کنیم و این فرایند به همین صورت دست‌به‌دست می‌شود تا به شیوه عملکرد ما می‌رسد (Lakoff & Johnson, 1980, p. 5-7).

استعاره‌های مفهومی سازوکارهای ذهنی‌اند و همگی آنها باز نمود زبانی نمی‌یابند بلکه در فرهنگ، هنر، آداب و رسوم و نمادها نیز ظاهر می‌شوند (Kovecses, 2010, p. 63).

کووچس نظریه استعاره مفهومی لیکاف و جانسون را به این صورت خلاصه کرده است:

۱. استعاره خاصیتی مربوط به مفاهیم است و نه واژه‌ها

۲. نقش استعاره فهم بهتر مفاهیمی خاص است و نه صرفاً آفرینش‌های ادبی و زیبایی‌شناختی

۳. استعاره‌ها اغلب بر مبنای شباهت به وجود نیامده‌اند

۴. استعاره روزانه و بدون صرف زحمت توسط افراد عادی به کار گرفته می‌شود و نه فقط توسط

افراد با استعدادهای ویژه

۵. استعاره بجای آنکه نوعی زینت زبانی زائد باشد، نوعی فرایند گریزناپذیر تفکر و استدلال انسان

است (Kovecses, 2010).

جالب ترین پژوهش معناشناسان شناختی به تحقیق درباره استعاره باز می گردد. در پژوهش هایی نظیر لیکاف و جانسون، بر این نکته تأکید شده است که استعاره، عنصری بنیادین در مقوله بندی ما از جهان خارج و فرایندهای اندیشیدن ماست و به ساخت های بنیادین دیگری از قبیل «طرحواره های تصویری» یا «فضاهای ذهنی»، و جز آن مربوط می شود (Safavi, 2004).

نظریه امروزی استعاره معتقد است که استعاره ها شباهت ایجاد می کنند و این برخلاف نظریه سنتی استعاره یا همان نظریه مقایسه است. نظریه مقایسه مدعی است که:

الف- استعاره ها مسائلی زبانی اند و نه مرتبط با تفکر یا عمل.

ب- استعاره الف، ب است، عبارتی زبانی است و در واقع مثل این است که بگوئیم الف، شبیه ب است.

ج- استعاره تنها به توصیف شباهت های از پیش موجود می پردازد و خود سازنده شباهت نیست. اما نظریه معاصر استعاره معتقد است که:

الف- استعاره عمدتاً مربوط است به تفکر و عمل و تنها از نظر اشتقاق مسئله ای زبانی است.

ب- استعاره ها می توانند بر پایه شباهت ها باشند. هر چند در بسیاری موارد شباهت ها خود بر مبنای آن نوع استعاره های قراردادی هستند که بر مبنای شباهت شکل نگرفته اند.

ج- وظیفه اصلی استعاره فراهم نمودن درک نسبی از یک نوع تجربه بر اساس نوع دیگر تجربه است. این امر ممکن است مستلزم شباهت های مجزای قبلی باشد یا بر اساس شباهت های جدید (Lakoff & Johnson, 1980).

نگاشت، مفهوم اصلی در نظریه استعاره های مفهومی است. این اصطلاح از ریاضیات به زبان شناسی وارد شده است و به تناظرهای نظام مندی دلالت می کند که میان برخی حوزه های مفهومی وجود دارد. لیکاف الگوهای ثابتی نظیر [عشق سفر است] را نام نگاشت می نامد که در واقع باز نمود زبانی فرایند ذهنی استعاره است و نگاشت را مجموعه ای از تناظرهای موجود بین دو طرف استعاره می داند (Afrashi, 2016, pp. 67, 68). نام نگاشت [عشق سفر است] تشکیل شده است از: حوزه مقصد عشق، حوزه مبدأ سفر و نگاشت مفاهیم حوزه سفر بر مفاهیم حوزه عشق. به این ترتیب با توجه به گفته لیکاف (1993, p. 212) مبنی بر اینکه: «هر نگاشت الگویی ثابت از تناظرهای مفهومی بین دو حوزه مبدأ و مقصد است» در این استعاره یک تناظر نظام مند و هستی شناختی بین آنچه در حوزه مقصد است با آنچه در حوزه مبدأ است وجود دارد.

و برای این که آدمی خویشتن را بی عیب دارد، میانه روی در گفتار در راه راستی بهتر است (Tafazzoli, 2000, p.22).

راستی در اینجا به معنای «صداقت» است و نام نگاشت آن «مسیر» در نظر گرفته می شود.

۱ سځم لو سعوم ۱۱۱۱ ۱۶ ورس ورس ۱۱۱۱ ۱ رسلو ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱
۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱
۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱
۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱
(فصل ۱ بند ۱۳۵)

ud ka tō dīd kē drō-dādwarīh ud pārag-stānišnīh kard u-š gugāyīh ī pad-drō dād ēg tō nišast hē u-t dranjīšn ī rāst ud frārōn guft (Anklesaria, 1913, p.25).

و چون دیدی که کسی داوری دروغ و رشوه ستانی کرد و گواهی به دروغ داد، آنگاه تو نشستی و سخن راستی و درستی گفتی (Tafazzoli, 2000, p.22).

راستی در این بند معنای «بر اساس راستی و صداقت» می دهد، استعاره مفهومی آن نیز «سخن» است.

۱ سځم سځم سعوم ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱
(فصل ۹ بند ۶)

ud ohrmazd ahlāyīh menēd u-š kār kirbag ud wehīh ud rāstīh (Anklesaria, 1913, p.49).

و اورمزد درستی اندیشد و کارش نیک و نیکی و راستی است (Tafazzoli, 2000, p.22). راستی به معنای «کار درست انجام دادن، عدالت ورزیدن» است که نام نگاشت آن عمل در نظر گرفته شده است.

۱ سځم ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱ ۱۱۱۱
(فصل ۹ بند ۱۰)

ud ahreman wad-gōhrīh rāy ēč wehīh ud rāstīh nē padīrēd (Anklesaria, 1913, p.50).

و اهریمن به سبب بدگوهری هیچ نیکی و راستی را نپذیرد (Tafazzoli, 2000, p.22). راستی در اینجا می تواند «انجام کار درست» در نظر گرفته شود و استعاره مفهومی آن شیء است.

حکایت ۸۶ از باب هشتم:

یکی را که عادت بود راستی
و گر نامور شد بقول دروغ
خطائی رود، در گذارند ازو
دگر راست باور ندارند ازو

(Sa'di, 1995, p. 588)

راستی در اینجا به معنای راستگویی است و از آنجا که عادت به کاری می باشد، عمل در نظر گرفته شده است.

حکایت ۱۰۲ از باب هشتم:

اول کسی که علم (نگار و نشان جامه) بر جامه کرد و انگشتری در دست جمشید بود.
گفتندش چرا بچپ دادی و فضیلت راست راست. گفت: راست را زینت راستی تمامست
(Sa'di, 1995, p. 602).

ترکیب زینت راستی، استعاره مفهومی زیورآلات را به ذهن متبادر می کند.
مفهوم سازی راستی در گلستان سعدی به سه صورت «شی، عمل و زیورآلات» وجود دارد
(نمودار ۲).

۷. نتیجه گیری

راستی در مینوی خرد، مفاهیم «بیان حقیقت»، «شهادت راست دادن»، «صداقت داشتن»، «کار درست انجام دادن»، «عادلانه رفتار کردن»، «راستی ورزیدن» دارد. در یک مورد هم در مفهوم قیدی «به راستی» آمده است. در گلستان سعدی، راستی در معنای «راستگویی» در مقابل «دروغگویی» آمده است، که عادت به آن، فرد را شهره به صداقت می کند.
از نظر استعاره مفهومی، [راستی عمل است] با ۳۸٪ رخداد در مینوی خرد پرکاربردترین نام نگاشت است (نمودار ۱).

[راستی زیورآلات است] فقط در گلستان سعدی و [راستی سخن است] و [راستی مسیر است] فقط در مینوی خرد مشاهده شد.

از آنجا که گفتمان دارای دو وجه عملی (تمدن) و وجه نظری (فرهنگ) است شاید بتوان گفت که [راستی زیورآلات است] به عنوان نشانی از وجه تمدنی گفتمان، در گلستان بیشتر مورد تأکید بوده در حالیکه [راستی سخن است] و [راستی مسیر است] تأکید بر وجه فرهنگی گفتمان در

مقایسه استعاره مفهومی فضیلت اخلاقی راستی در.....۳۳

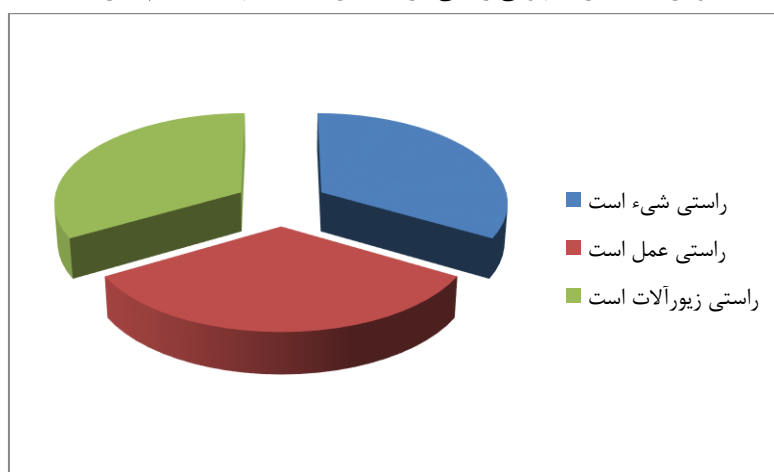
مینوی خرد دارد، که البته هیچکدام از این دو وجه بر دیگری ارجحیتی ندارد و فقط نشان از آن دارد که در ایران پیش و دوران اسلامی گفتمان «راستی» اهمیت داشته است.

۸. ضمایم (نمودارها و جداول)

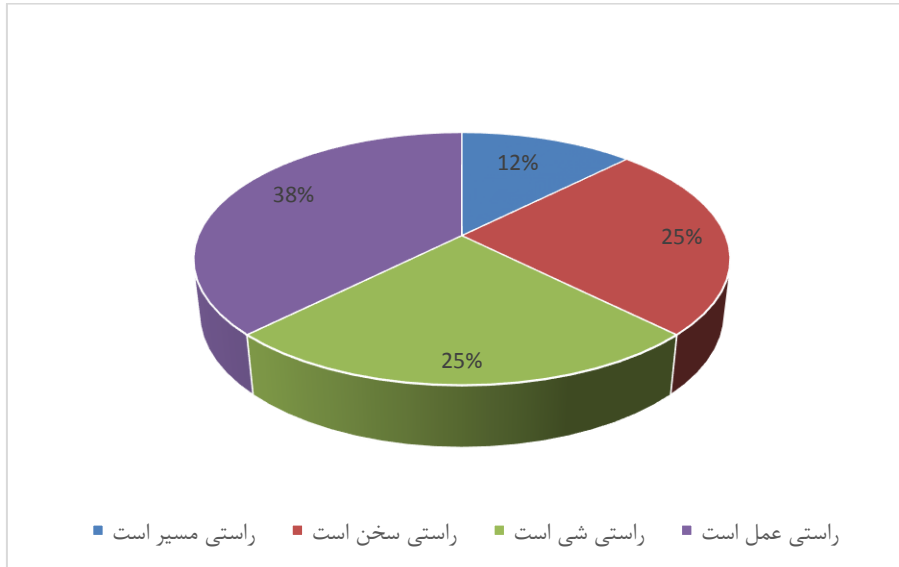
نمودار ۱- استعاره مفهومی راستی در مینوی خرد (تهیه و تنظیم نگارنده)



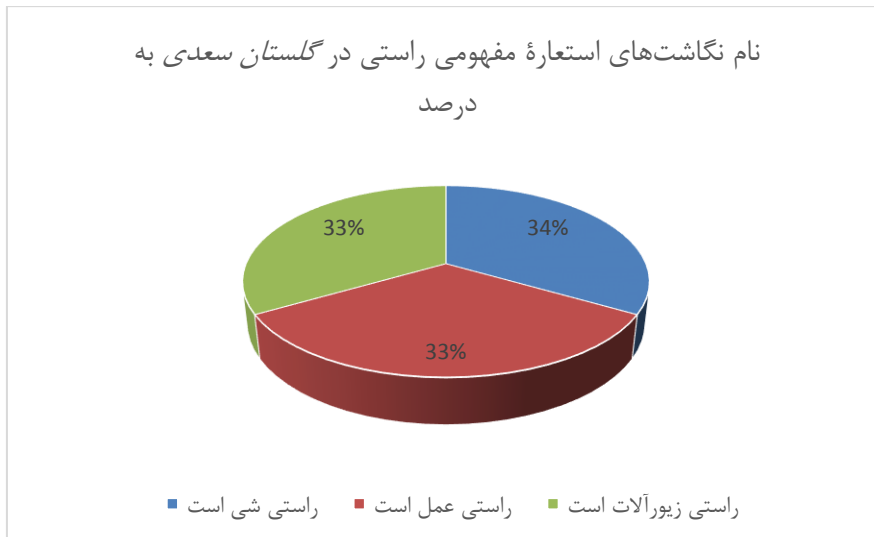
نمودار ۲- استعاره مفهومی راستی در گلستان سعدی (تهیه و تنظیم نگارنده)



نمودار ۳- نام نگاشت های استعاره مفهومی راستی در مینوی خرد به درصد (تهیه و تنظیم نگارنده)

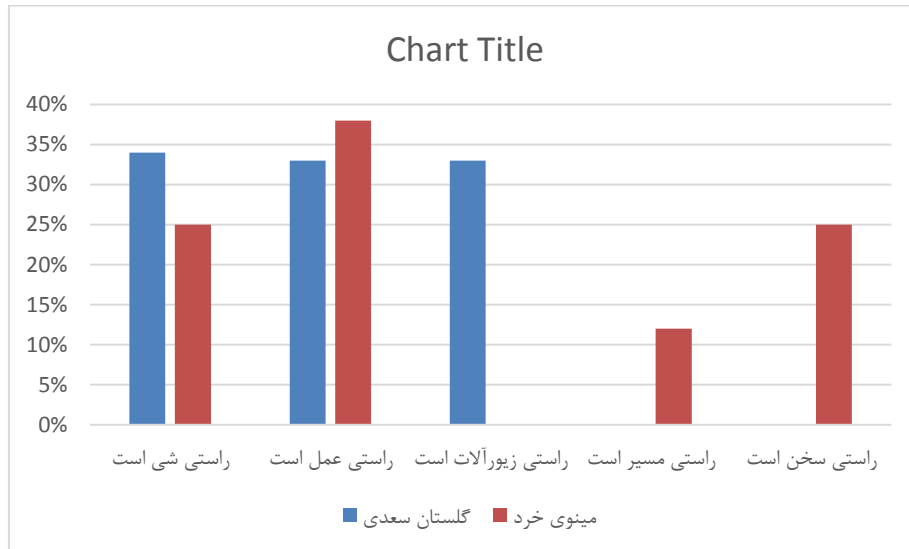


نمودار ۴- نام نگاشت های استعاره مفهومی راستی در گلستان سعدی به درصد (تهیه و تنظیم نگارنده)



مقایسه استعاره مفهومی فضیلت اخلاقی راستی در.....۳۵

نمودار ۱- مقایسه درصدی استعاره مفهومی راستی در مینوی خرد و گلستان سعدی (تهیه و تنظیم نگارنده)



کتابنامه

- Afrashi, A. (2016). *Introducing cognitive semantics*. Institute for Humanities and cultural studies. [In Persian]
- Anklesaria, T. D. (1913). *Dânâk-u Mainyô-I Khard*. n. p.
- Dalvand, Y. (2020), *Mênôg ī xrad*, With an introduction by Cyrus Shamisa. Sadeh Publication. [In Persian]
- Deylamqani, S. (2016). Historical study of conceptual metaphors in Persian language: Samak Ayyar text. In A. Afrashi (Ed.), *Proceedings of the first national conference on cognitive semantics* (pp. 55- 77). Neveeseh Parsi Publishing. [In Persian]
- Farhoodi, M. (2013), Ethics in Zoroastrianism, from MinuyeXerad's perspective. *Revelatiry of Ethics*, 3(2), 87-103, dor: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.23833025.1392.3.2.5.4> [In Persian]
- Fazayeli S. M., & Ebrahimi, Sh. (2014). Examining the conceptual metaphors of the feeling of "sadness" in the poetry of Masoud Saad Salman. *Journal of Studies in Lyrical Language and Literature*, 4(13), 65- 80. [In Persian]

- Ghasemi A. (2015). *Examining conceptual metaphors and pictorial schemas of the word grief in Fereydoun Moshiri's poems*, Master's thesis, Ferdowsi University of Mashhad. [In Persian]
- Ghasemi H., Amiri, M. A., Hajipour, N., & Partovi, A. (2017). The conceptual metaphor of "sorrow" in the poems of Mullah Ali Fakher. *A collection of selected articles of the national conference of Mullah Ali and Sheikh Agha Hassan Fakheri* (Vol. 2, pp. 27-50). Shelfin Publications. [In Persian]
- Ghoochani B., Afrashi, A., & Asi, S. M. (2016). Conceptual metaphors in the field of fear: in Persian language: a cognitive and physical approach. In A. Afrashi (Ed.), *Proceedings of the first cognitive semantics conference*. (pp. 201-226). Neveeseh Parsi Publishing. [In Persian]
- Hamedi Shirvan, Z., & Sharifi, Sh. (2015). Investigation of cognitive metaphors and cognitive model of anger and resentment in five stories from Ferdowsi's *Shahnameh*. *A collection of articles from the Shahnameh and Persian epic poetry conference*. Faculty of Literature and Human Sciences, Ferdowsi University of Mashhad. pp 109-133 [In Persian]
- Hasti, T., Shoghi, M., Joulaei, K., (2016). Conceptual metaphors of motion in Persian: A Corpus-Driven analysis. In A. Afrashi (Ed.), *A collection of articles on a cognitive approach to the representation of movement in Persian language* (pp. 173-193). Neveeseh Parsi Publishing.
- Hemati, T., & Afrashi, A. (2016). Representation of motion in translation: A cognitive approach. *Iranian Journal of Comparative Linguistic Research* (pp. 77-95). DOI 10.22084/rjhll.2016.1523 [In Persian]
- Jäkel, O. (2002). Hypotheses revisited: The cognitive theory of metaphor applied to religious texts. *Metaphorik. De*, 2(1), 20-42.
- Kooshki F. (2019). *Conceptualization of "Love and Hate" in Persian language: a cognitive, temporal and corporeal approach*, [Unpublished PhD Thesis]. Institute for Humanities and cultural studies. Tehran. [In Persian]
- Kovecses, Z. (2010). *Metaphor: A practical introduction*. Oxford University Press.
- Lakoff, G. (1993). *The contemporary theory of metaphor*. In A. Ortony (Ed.), *Metaphor and thought* (pp. 202–251). Cambridge University Press.
- Lakoff, G., & Johnson, M. (1980). The metaphorical structure of the human conceptual system. *Cognitive Science*, 4(2), 195-208.

- Mahmoodi-Bakhtiari B., & Seraj, A., (2016). Conceptual metaphors in Ferdowsi's *Shahnameh*. In A. Afrashi (Ed.), *Proceedings of the first national conference on cognitive semantics* (pp. 109-128). Neveeseh Parsi Publishing. [In Persian]
- Malekian, M., & Sasani, F. (2014). Conceptualization of anger in Persian language, *Journal of Researches in Linguistics*, 6(11), 37-56. [In Persian] <https://dorl.net/dor/20.1001.1.20086261.1393.6.11.3.3>
- Moloodi, A., Karimi Doostan, G., & Bijankhan, M. (2015). The application of corpus-based method of metaphorical pattern analysis to Persian Language: The study of anger target domain. *Language Research*, 6(1), 99-118. <https://doi.org/10.22059/jolr.2015.56645> [In Persian]
- Montgomery, M., Durant, A., Fabb, N., Furniss, T., & Mills, S. (2007). *Ways of reading: Advanced reading skills for students of English literature*. Routledge.
- Moradi, M. R., & Pirzad Mashak, Sh. (2013). A comparative and contrastive study of sadness conceptualization in Persian and English. *English Linguistic Research*, 2(1), 107-112. <http://dx.doi.org/10.5430/elr.v2n1p107>
- Mosaheb, G. (1977). *The Persian Encyclopedia* (Vol. 2). Pocket Books Joint Stock Company. [In Persian].
- Nasiriyani, Y. (2001). *The Science of Eloquence and the Inimitability Quran*. The Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Hslamic Science and the Humanities (SAMT). [In Persian]
- Partovi, A., Saadatinia, S., & Hajipour, N. (2019). Conceptual methaphor of grief in Marsiyah and Habsieh poems. *Literary Interdisciplinary Research*, 1(1), 16-36. <https://doi.org/10.30465/lir.2019.4184> [In Persian]
- Rostambeik Tafreshi, A., & Amiri, M. A. (2018). *Critical analysis of love metaphor in Persian Lyrics: A Corpus-Based approach*. *Zabanpazhuhi*, 11(30), <https://doi.org/10.22051/jlr.2018.15079.1320> [In Persian]
- Sa'di (1995). *Golestan*. Kh. Khatib Rahbar (Ed.). Safi Ali Shah Publications. [In Persian]
- Saeed, J. (1997). *Semantics*. Blackwell.
- Safavi. K. (2004). *From linguistics to literature*. Sooremehr Publishing. [In Persian]

- Saqafi, E. (2017). *Historical evolution of the conceptual metaphors of bravery in the Persian language: a cognitive and physical approach* [Unpublished PhD Thesis]. Faculty of Literature and Foreign Languages, Islamic Azad University, South Tehran Branch. [In Persian]
- Seraj A., & Mahmoodi-Bakhtiari, B. (2018). Conceptual metaphors of ethics in Ferdowsi's *Shahnameh*: A cognitive approach, *Research Quarterly in Islamic Ethics*, 11(40), 127-141. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.22287264.1397.11.40.7.1> [In Persian]
- Sharifi Moghadam, A., Azadikhah, M., & Abolhasani, V. (2017). Comparison between sadness and happiness conceptual metaphors in the songs of Parvin Etesami. *Zabanpazhuhi (Journal of Language Research)*, 11(30), 179-202 <https://doi.org/10.22051/jlr.2018.15235.1330> [In Persian]
- Tabari, F. (2015). *Conceptual metaphors of anger in Persian language: a cognitive and corpus approach*, [Unpublished Master's thesis]. Institute for Humanities and cultural studies. [In Persian]
- Tafazzoli, A. (1969). *Glossary of Mēnōg ī xrad*, Bonyad-e Farhang-e Iran Publishing. [In Persian]
- Tafazzoli, A. (1975). *Mēnōg ī xrad*. Bonyad-e Farhang-e Iran Publishing. [In Persian]
- Tafazzoli, A. (2000). *Mēnōg ī xrad*. By effort Jaleh Amouzgar. Tehran. Toos. [In Persian]
- Tafazzoli, A. (2007). *History of Iranian literature before Islam*. Sokhan Publishers. [In Persian]
- Zarshenas. Z. (2010). *Language and Literature in Ancient Iran*. (3rd ed.). Cultural Research Bureau. [In Persian]